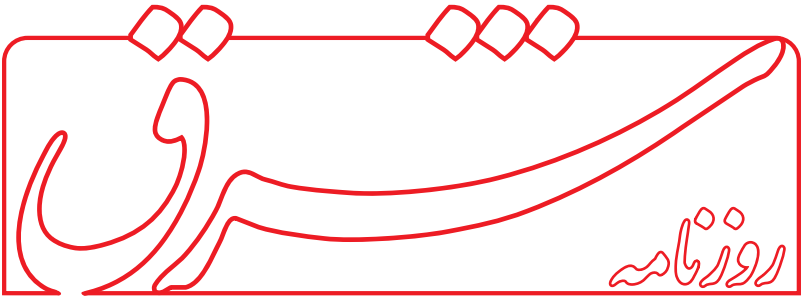




برگزاری جشن شورای کتاب کودک

شورای کتاب کودک، از ۲۹ دی سال گذشته به مناسبت ۵۰ سال فعالیت خود، برنامه‌های متعددی را برگزار کرده و دیروز آخرین جشن آن با یاد ایحیی مافی، برگزار شد. پخش فیلم و نمایش از تاریخ شورای کتاب کودک، اجرای سرود شورا، موسیقی و نمایش «در انتظار ماهی سیاه کوچولو» از برنامه‌های این مراسم بود. در این جشن همچنین از نشان ویژه کتاب‌های برگزیده شورا اثر استاد فرشید متفالی رونمایی شد. شورای کتاب کودک، امسال دوفتر از یاران خود- یحیی مافی و عباس حرّی- را از دست داده است.



شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۲ | ۸ ربیع‌الثانی ۱۴۳۵ | ۸ فوریه ۲۰۱۴ | سال یازدهم | شماره ۱۹۴۸ | ۱۲ صفحه + ۱۶ صفحه ضمیمه

شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیبا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۷۱۹ | فاکس: ۸۸۸۰۷۱۹ | تلفن: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۲۳۰-۲۲
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز | تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز | تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران : آذان ظهر ۱۲:۱۲ آذان مغرب ۱۷:۵۸ آذان صبح فردا ۵:۳۳ طلوع آفتاب ۶:۵۸



قلم‌انداز

دو صحنه



سیروس ابراهیم‌زاده

۱) تهران - زمستان ۱۳۵۵

چلوکبابی بابایی واقع در سبزه میدان، ناهار بازار بسیار شلوغی دارد. علاوه بر مشتریان بیرون‌بر، که از اطراف و اکناف قایلمه‌به‌دست نوبت گرفته‌اند، میز و صندلی‌های دکان همه پر است. سینی‌های سفارش غذا را از آشپزخانه می‌آورند و روی میزها می‌چینند. کباب برگ سلطانی، گوجه‌فرنگی آبدار نیم‌سوخته، برنج صدی اعلا با زعفران و کره فراوان، زرده تخم‌مرغ، ترشی لیمو، سسماق و فلفل، دوغ و شربت و استکان‌های اشک کباب برای مشتریان ویژه. حجت‌نامی که در واژگان معمول امروز می‌توان او را سرگارسون نامید، دسته‌های سیخ کباب کوبیده در دست بر همه‌چیز و همه‌کس نظارت دارد و در بشقاب خوش‌اشتهایان کباب می‌اندازد. اینجا کباب کوبیده رایگان است. چلو میز صندوق، پسر جوانی دسته‌به‌دسته ایستاده. آقای بابایی می‌گوید: «این دفعه دومه که پاکت‌های زعفران کم می‌آیم. بد کردم از تو خیابونا جمع‌وجورت کردم؟» پروا برو تو آشپزخونه به کارت برس. دیگه هم از این کارها نکن!»

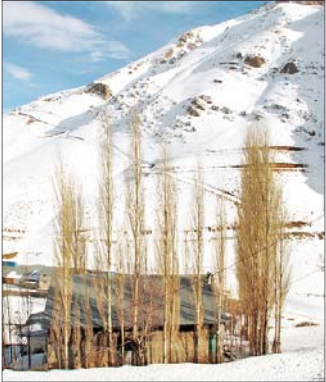
۲) لس‌آنجلس - بهار ۱۳۶۵

اتاق مدیریت رستوران لوکس «پرشین کوزین» واقع در خیابان «وست‌وود»، موفق و پررونق. آقای بابایی - مرد میان‌سالی که در صحنه یک به‌عنوان صاحب چلوکبابی سبزه‌میدان دیده‌ایم- چلو میز مدیریت دسته‌به‌دسته ایستاده است. پشت میز جوان خطاکار پیش‌بین را چاق‌تر و سرحال‌تر می‌بینیم که لباس‌های بسیار شیک بر تن دارد و در حالی که به پشت تکیه داده می‌گوید: «هنوز آشپزخونه‌ا زت راضی نیست. شما انگار اهل کار کردن تو آمریکا نیستی. برو تسویه‌حساب کن که مرخصی...»

برداشت آخر

گزارش «شرق» از چند روستای مازندران نفس به نفس همراه برف

به همدیگر می‌دهند؛ از همین‌جا هم معلوم می‌شود برف کرمانی‌ها و زاهدانی‌ها را هم غافلگیر کرده؛ شب می‌شود. بادی که از سمت غرب می‌وزد چنان سرد و سوزان است که آب توی کاسه چشم‌ها یخ می‌زند. از کوچه «نوبهار» در قلب «رودکنار» عبور می‌کنیم تا احوال آدم‌های چند خانه بالای کوهپایه را جویا شویم. زنی یا پیرزنی از پشت پنجره صدا می‌زند: «از گاز خبری نیست هنوز؟» می‌شود: «امشب وصل می‌شه!» به سمت کوهپایه که می‌رویم، برف از زانو‌ها هم عبور می‌کند. مردم هر نیم‌ساعت یک‌بار موتور یا ماشین‌شان را استارت



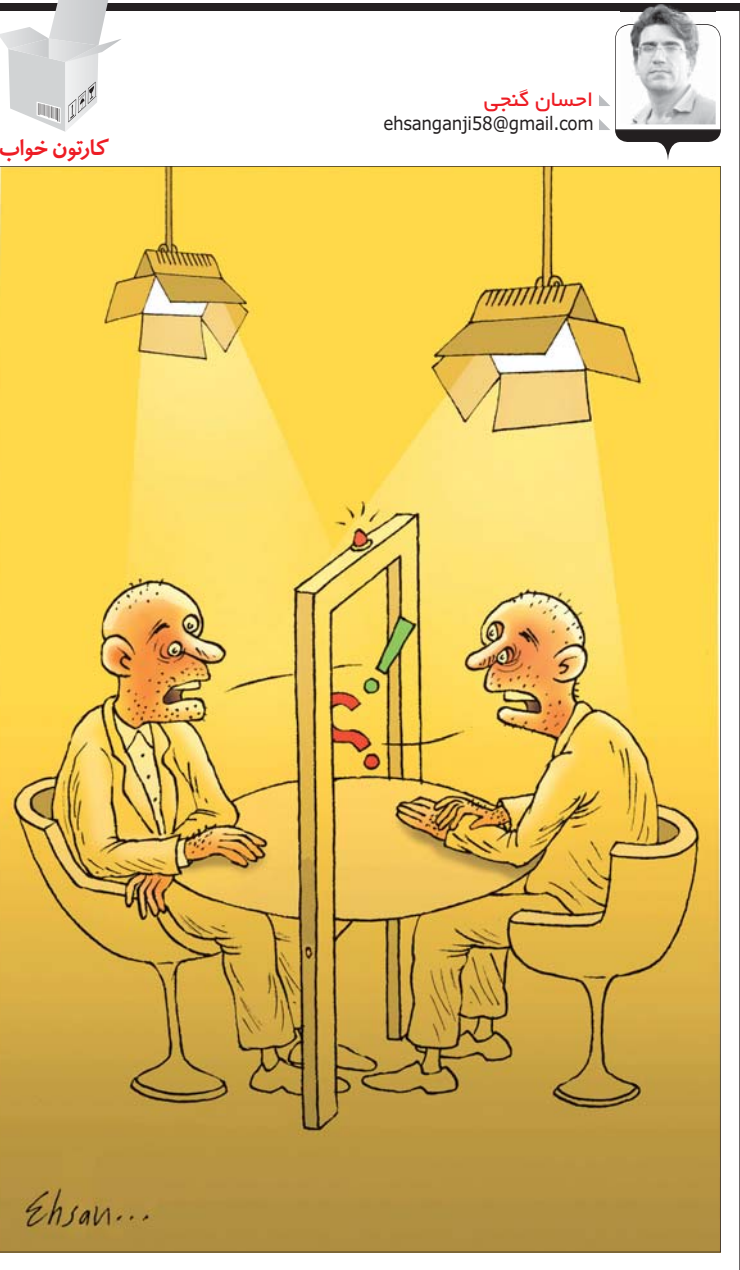
می‌زنند، نور کورکننده‌ای را روی دیوارها می‌تابانند تا ماشین‌ها یخ‌زنند ماشین‌ها اما یخ‌زده و شیشه بعضی‌ها یخ‌زده‌تر است. از سمت جنگل صدای زوزه‌های دره‌می می‌آید. بسجج برای مقابله با حمله احتمالی حیوانات وحشی آماده شده سیاه اما ماشین‌هایشان را فرستاده تا راه‌ها را باز کنند، برف را بزنند آن طرف، تا سایه‌ای آسفالت جاده‌ها، مسیر امداد را بگشاید. البته که اندکی هم اختلال و موازی‌کاری بین آنها‌یی که برای امدادسانی آمده‌اند، هست. مثلاً ترکیبن لوله‌های آب، معلوم نیست مأموریت اداره آبی‌هاست یا آنها‌یی که آمده‌اند جاده‌ها را باز کنند. وضع گاز و برق هم تگرانی‌ها را تشدید کرده اما مأموران امدادسانی سرتاپا گلی در سرمای مطلق هم بیکار نمی‌نشینند وقتی هم که دست‌شان خالی است یا صای بلند خبرهای خوش را تکرار می‌کنند، مثلاً اینکه با هلیکوپتر غذا و دارو فرستاده‌اند، یا اینکه برق خیلی زود وصل می‌شود و مردم می‌توانند از هیترهای برقی هم استفاده کنند.

توضیح می‌دهند که سه روز پیاده‌روی‌شان باعث شده از سلامت حال ساکنان ۱۵ روستای اطراف «چمستان» اطمینان پیدا کنند. صدای هلیکوپتر می‌آید و ناگهان سرها به سمت بالا بلند می‌شود. فعلاً اصلی‌ترین کمک، باز کردن جاده‌هاست. شاید باید رفت تا عمق جنگل و کوه تا وضعیت روستاهای کم‌جمعیت و دور را که زیر برف پنهان شده‌اند مشخص کرد. از مزرعه‌ها هیچ‌چیز باقی نمانده. می‌شود فرسخ‌ها زمین تخت را دید که زیر برف له شده‌اند و جایای حیوان‌های ریز و درشت رویشان باقی مانده. هلال‌احمری‌هایی که روی گوشی‌های‌شان اینترنت دارند با یک سایت شبیه فیس‌بوک خبرهای داغشان را

از هر نظری ضرر

یک چیزهایی دارد یادم می‌آید...

● **بوریا عالمی:** یک چیزی یادم آمد که تا یادم نرفته بگویم. خیلی‌ها نقشه می‌کشند که چطوری بانک بزنند تا پولدار شوند، اما یک بانکی هم بود از رانندگی بانک مرکزی شروع کرد بعد جای اینکه بانک بزند، برای خودش بانک خصوصی زد. یک خاوری هم بود که می‌خواست بانک بزند، بعد دید خودش رئیس بانک است. تصمیم گرفت خودزنی کند و بانک خودش و جیب مردم را بزند و برود کلاندا، بغل سلین دیون از قدیم هم گفتند قطره‌قطره جمع شود. ملت هم قطره‌قطره عرق می‌ریزند و قطره‌قطره سرمایه جمع می‌کنند، وانگهی دریا که شده، کشتی‌بان را سیاسی سلین دیونی و انحرافی می‌آید. اصلاً یک‌خطوری شده من می‌روم بانک، اول کارت شناسایی رئیس بانک را می‌بینم که انحرافی چیزی نداشته باشد. بعد پول برق هم بهم، حتماً از شان رسید می‌گیرم که بعد زنند زیرش. الان کار بانکی می‌کنی... ۷۰۰ تومان کارمزد خدمات بانکی و ۵۷ هزار تومان کارمزد هزینه سفر انحرافی و همسایگی سلین دیون از مشتری کم می‌کنند، لابد. یک‌چیز دیگر هم یادم افتاد. یک راه پول‌درآوردن این است که آدم کار کند. یک راه دیگرش این است که برای آدم کارگر کار کنند. یک راه هم این است که کارگران برای خودشان کار کنند، اما پولشان را بدهند به سازمان تامین اجتماعی و ما پولشان را خرج آگهی و کارت‌هدیه و چی‌وچی کنیم. توی فیش حقوقی کارگران قرار شده بنویسند: ۶۲۴۳۳۳ ریال کسر، بابت خرج آگهی و کارت‌هدیه توسط مرضی‌ش. شاید برسید چرا به این موضوعات قدیمی می‌پردازیم؟ و آیا ما سوزه کم آوردیم؟ و آیا ما جزو کم‌آوردگانیم؟ نه. ما هم مثل ملت حافظه تاریخی نداریم. هرچندوقت یک‌بار بگویم یک چیزهایی یادمان می‌آید که می‌بینیم هنوز جاش خوب نشده و خسارتش پرداخت نشده. برای همین می‌گویم گاهی یادآوری کنیم که مسئولان بدانند هنوز یک چیزهایی یادمان هست و منتظریم به‌صورت نمادین هم شده، دوتا پرونده فساد اقتصادی را... دانشم درباره چی حرف می‌زدیم؟ یادم رفت... حافظه تاریخی‌ام کمک نمی‌کند... شما هم چیزی یادتان نمی‌آید؟



کنسرت تئاتر

در روزهای آخر اسفند...

اشکان خطیبی

سرپرست ارکستر:
بهروز صفاریان

غزل شاکری

نویسنده و کارگردان:
محمد رحمانیان

هم خوانان:
رایسا آوانسیان
ملانی آوانسیان
صحرا بیرنگ

امین طاهری
امیر دانایی
بهنود فدوی
صابر جعفری

گروه موسیقی:
علی بیرنگ
آرش سعیدی
فرشاد حسامی

۵ تا ۲۲ اسفند، تالار وحدت

سایت فروش: www.iranconcert.com

شماره تماس: ۰۹۱۲ ۷۰۵۰ ۷۳۹

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی آزاد بهار

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

اطلاعیه پذیرش دانش پژوه

در راستای گسترش آموزش عالی آزاد و تربیت نیروی انسانی ماهر برای اداره سازمانهای اقتصادی، اجتماعی، تولیدی و خدماتی، موسسه آموزش عالی آزاد بهار با استناد به مجوز رسمی شماره ۲۴/۲۳۴ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و شماره مجوز ۹۶۵/۹۲/م از دانشگاه جامع علمی کاربردی اقدام به برگزاری دوره عالی مدیریت MBA در گرایش‌های (بازاریابی، استراتژیک، مالی، مدیریت پروژه، منابع انسانی، اجرایی، شهری، IT) و دوره عالی مدیریت کسب و کار DBA نموده است.

۱۳مین دوره DBA

مدیر گروه DBA
پروفسور سید مهدی الوانی

۱۶مین دوره MBA

مدیر دبیران MBA
دکتر رحیم فرضی پور

مدیر گروه های بهار

مدیر گروه مدیریت انسانی
دکتر سعید شهیارمادی

مدیر گروه منابع انسانی
دکتر سعید شهیارمادی

مدیر گروه بازاریابی
دکتر محمد بلوریان تهرانی

مدیر گروه سرمایه گذاری و بورس
دکتر رضا تهرانی

مدیر گروه مدیریت شهری
دکتر رضا تهرانی

مدیر گروه مدیریت استراتژیک
دکتر محمد خطیبی

مدیر گروه مدیریت اجرایی
مهندس محمدرضا شهیارمادی

مدیر گروه مدیریت پروژه
دکتر سیامک حاجی یخچالان

دریافت لوح افتخار
برترین برند آموزش MBA در ایران

اولین مرکز تخصصی MBA و DBA در ایران

دوره های ویژه سازمانی (مطابق نیاز و درخواست سازمان ها)

دوره های MBA و DBA ویژه مدیران ساکن شهرستان ها (۲ روز در ماه)

اعطای نمایندگی جذب و پذیرش

www.bahar.ac.ir

جهت کسب اطلاعات بیشتر و انجام امور ثبت نام با شماره تلفن ۸۸۷۳۰۱۸۴ (خط ویژه)
تماس حاصل فرموده و یا به آدرس تهران، خیابان بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوم، پلاک ۲۷ مراجعه فرمایید